

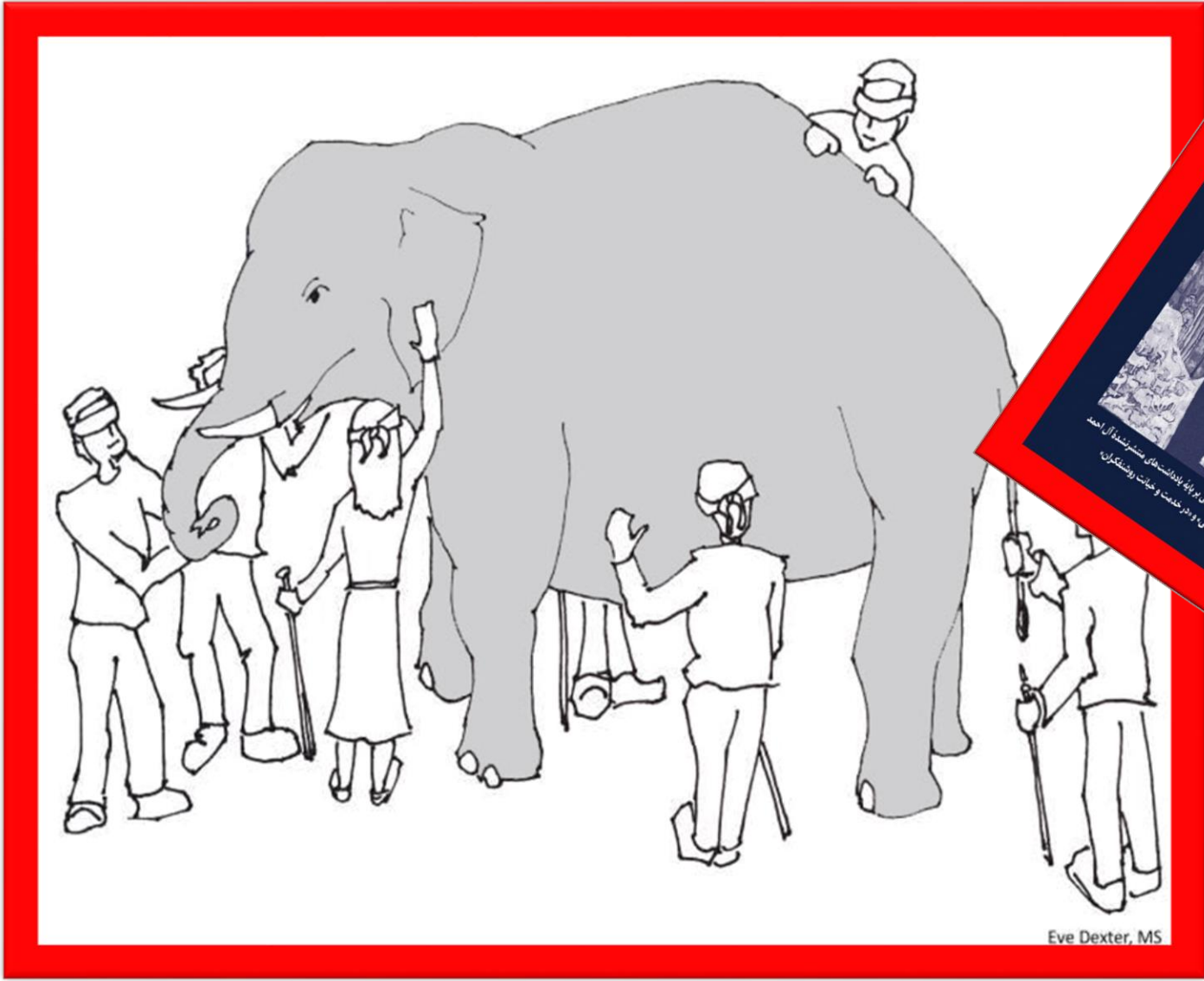


حقیقت جوی تنها

و

همیشه در راه





Eve Dexter, MS



# جلال ناخوانده

غلامرضا خاکی



## جلال ناخوانده

کتاب حاضر، نه قدرتمندانی است که در دام آن غفلت و تنبلی است و نه در پی آن استوارند که با این کتاب می‌توانند به این دستاورد برسند. جلال ناخوانده، کتابی است که در دست درازان و تنبلی‌ها، در پی آن استوارند که با این کتاب می‌توانند به این دستاورد برسند. جلال ناخوانده، کتابی است که در دست درازان و تنبلی‌ها، در پی آن استوارند که با این کتاب می‌توانند به این دستاورد برسند.



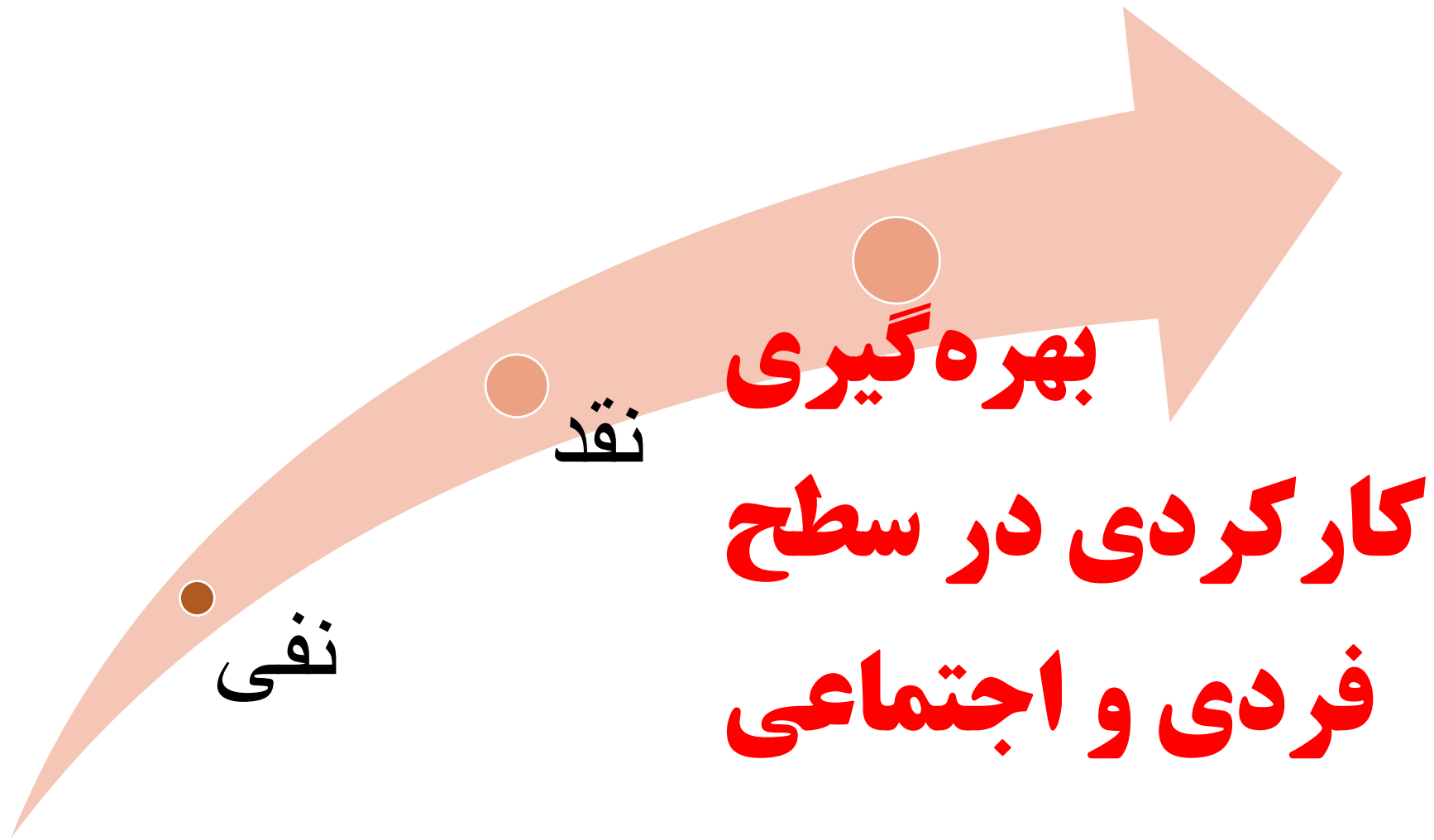
# تفکر انتقادی

هنر اندیشیدن و قائل در باره ی  
فرآیند تفکر است تا بتوان:

فرض های زیربنایی، شیوه استدلال و رزی؛  
انگیزه ها و مفهوم های بنیادین، نوع تفسیرها و  
استنتاج ها را شناخت و درستی و نادرستی آنها  
را ارزیابی کرد.



@gh\_khaki



در فروردین ۱۳۳۷ با توصیه‌ای از دکتر نوربخش برای اقامت  
در خانقاه هـ

دیشب تقریباً نخوابیدم... ساعت ۵/۵ بلند شدم و وضوئی  
ساختم و قلابی نمازی در صحن آستانه خواندم، نوربخش  
سفارش کرده بود. خوشبختانه یکی دیگر هم در زیر گنبد  
بود که سیت و سوت‌ها مان را با هم توأم می‌کردیم و می-  
فرستادیم زیر سقف. ولی اینهم عالمی دارد! در آن صبح  
زود بیدار شدن و سرمای چندش آور و در عین حال، لذت-  
بخش آن را استنشاق کردن و الخ... محیط دارد اثر خودش  
را ظاهر می‌کند. هر ایمانی، مولود یک تمرین مرتب است.

حالا که ازین سفر برگشته‌ام، احساس می‌کنم فقر را با  
اصیل‌ترین صورتش دیده‌ام، فقری که نه شعوری با آن  
همراه بود و نه امکان مقایسه‌ای، فقری ساکت و بی-  
نشان، نامتظاهر و آلوده به قضا و قدر و حتم سرنوشت،  
و همراه با رضایتی صرف و همین بود که کلافه می-  
کرد.

طبق یادداشت‌های جلال او در دوشنبه ۱۹ اردیبهشت

۱۳۳۹ (یعنی سی و هفت سالگی) می‌نویسد:

**دل‌م می‌خواهد بتوانم راه بیفتم برای مکه.**

**نمی‌شود، باید رفت این سفر را.**

**سال دیگر یا سال بعدش... تا چه پیش آید.**

**خلیل ملکی - که مخالف حج رفتن جلال بود - پای فشار د  
که گفت: «شاخ گاو را تجربه کرده است.» حتی خانم دانشور  
در مقاله "شوهرم جلال" (ص. ۱۸) می گوید:  
جلال به دنبال ماجراجویی است و آخرین ماجرایش هم  
سفر حج است.**

**گویی خانم دانشور نمی دانست که حقیقت دین، مستی  
احکام فقهی نیست بلکه جستجو و در بدری به دنبال حقیقت  
است.**

به قول مولانا:

**خنک آن قماربازی که بیاخت هر چه بودش  
بنماند هیچش الا هوس قمار دیگر**





# نتیجه گیری

**جلال ناخوانده**  
غلامرضا خاکی

کتاب حاضر نه نقد تحلیلی ساختار و محتوی متکثر و اندیشه‌های جلال آل احمد است و نه در پی دفاع از شخصیت و احوال و کار او، بلکه کنشگرایی تازه روشمند و هدفمند است در یک سبک تاریخی مکتوب و البته بی نظیر! این سبک تاریخی منتشرشده که با زبان گفتاری نوشته شده، چیزی نیست جز «یادداشت‌های روزانه» جلال آل احمد.

کتابی که در دست دارید شامل آن بخشی از یادداشت‌های جلال است که سیر شکل‌گیری دو اثر معروف آل احمد، یعنی «غرب‌زدگی» و «در خدمت و خیانت روشنفکران» را نشان می‌دهد.

نگارنده برای گرایش در یادداشت‌های جلال، رویکرد خاصه‌خوئی تحلیلی را با هدف تاریخ‌نگاری فکری (Intellectual Historiography) به کار گرفته است. او در فرآیند کار از شیوه‌ی محمدحسین دانایی، غلامرضا جلال، برخوردار بوده است.

دانایی از تزویج با امور مربوط به زندگی دایمی خود آشنا بوده و در فرآیند اجرایی تدوین کتاب‌های «غرب‌زدگی» و «در خدمت و خیانت روشنفکران» نقش داشته است، اکنون نیز اصل یادداشت‌های مذکور را در اختیار دارد.

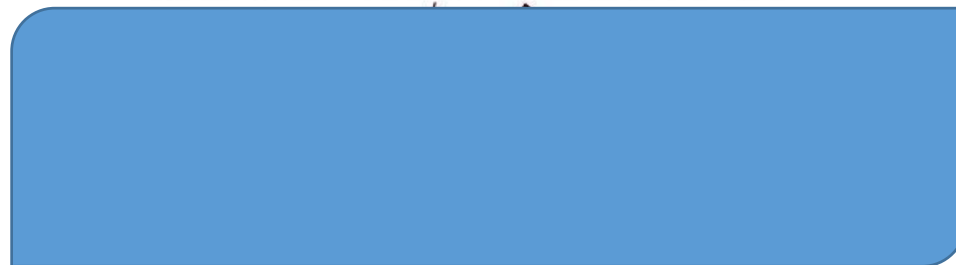
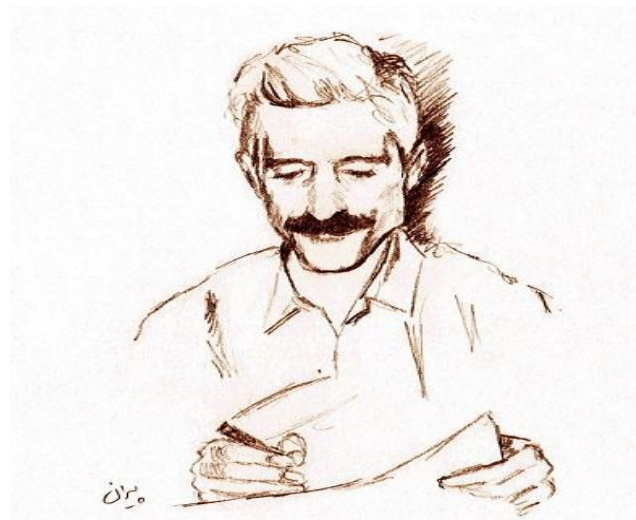
بر پایه یادداشت‌های منتشرشده آل احمد درباره «غرب‌زدگی» و «در خدمت و خیانت روشنفکران»

غلامرضا خاکی

ISBN 978-622-93772-4-0

www.gholamrezakhaki.com

# در دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۴۴ در یادداشت‌های روزانه



«من آخوند هستم، یا شده‌ام، یا باز گشت به اصل کرده‌ام؟...»  
به هر صورت، درین که من از تظاهر به لامذهبی دست شسته‌ام،  
تردید نیست، اما این آخوندی است؟ حضرات ملاقات‌کنندگان  
هوای غرب، چنین می‌پندارند؟ اگر بشود گفت درین فامّا نوعی  
توجه به "عرفان" هست که عقل حضرات قاصر است از زیارتش! و  
گمان می‌کنم این **مطلب** را در "**خسی در میقات**" نشان داده باشم.  
به هر صورت و ایضاً چون کشش رسمی زمانه به سمت غربزدگی و  
قرتی مآبی است، من باز شاید درین اعجاب تظاهر به مذهب و  
دوری از لامذهبی عادی روشنفکری، باز تشخیصی می‌جویم. ایجاد  
اعجاب می‌کنم که تفردم را بنمایم. و اینها همه البته که پرت  
دعوی‌هایش، ولی دارم برای خودم تحلیل می‌کنم قضیه را. و این  
توجه به سنت است در مرحله آخر برای آدمی که در جستجوی  
**یک سنت است به طر** **اور اع**...»